رکوردشکنی قیمت بنزین و گازوئیل در شهرهای مختلف انگلیس

سرویس خارجی-

قیمت بنزین در انگلیس در پی افزایش بهای انرژی در بازارهای جهانی، ناشی از جنگ‌افروزی آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران، به بالاترین سطح خود رسیده است.

قیمت بنزین در انگلیس به بالاترین سطح خود در چهار سال اخیر رسیده و فشار تازه‌ای بر هزینه زندگی خانوارها وارد کرده است. متوسط قیمت بنزین اکنون ۱۶۱,۶ پنس در هر لیتر است که نسبت به سطح حدود ۱۳۲,۸ پنس پیش از آغاز جنگ تجاوزکارانه آمریکا و رژیم اسرائیل علیه ایران، حدود ۲۸,۸ پنس یا نزدیک به ۲۱,۷ درصد افزایش یافته است. متوسط گازوئیل نیز به ۱۸۳,۴ پنس رسیده که افزایشی حدود ۲۹ درصد را نشان می‌دهد. این رشد در پی افزایش بهای انرژی جهانی و صعود نفت برنت از حدود ۷۲ دلار به اوج ۱۲۶ دلار و سطح کنونی ۸۹,۶ دلار رخ داده و هم‌زمان با تعطیلات آخر هفته میلیون‌ها راننده را تحت فشار قرار داده است. نهاد ناظر رقابت انگلیس نیز نظارت بر بازار سوخت را تشدید کرده است.

کیهان

رژیم صهیونیستی از زمان سقوط دمشق ۱۰۰۴ بار به سوریه تجاوز کرده است

نهاد موسوم به دیده‌بان حقوق بشر سوریه تجاوزات مکرر رژیم اسرائیل به خاک این کشور را از زمان سقوط دمشق مستند و اعلام کرد که تعداد کل این تجاوزها به ۱۰۰۴ مورد رسیده است.

به گزارش روز شنبه ایرنا به نقل از پایگاه خبری وطن، نهاد موسوم به دیده‌بان حقوق بشر سوریه نوشت: «در سال ۲۰۲۵ قریب به ۴۶۰ تجاوز اسرائیل به سوریه ثبت شده است، در حالی که سرعت آن در سال ۲۰۲۶ افزایش یافته و از ابتدای سال تا روزهای اول آگوست (مرداد-شهریور) به ۵۳۰ تجاوز رسیده است.» دیده‌بان حقوق بشر سوریه ادامه تجاوزات اسرائیل به خاک این کشور را از زمان سقوط دمشق مستند و اعلام کرد که تعداد کل این تجاوزها به ۱۰۰۴ مورد رسیده است. این نهاد افزود که تحرکات اسرائیل با بازداشت و دستگیری غیرنظامیان، تفتیش و بررسی هویت ساکنان و همچنین تخریب و تسطیح زمین و ساخت استحکامات و اماکن نظامی در مناطق مختلف جنوب سوریه همراه است.

یورش شهرک‌نشینان و مقامات صهیونیست به خانه‌های مردم و زندان زنان فلسطینی

سرویس خارجی-

کرانه باختری اشـغالی در روزهای اخیر شـاهد مـوج جدیدی از خشـونت‌های سازمان‌یافته از سوی شهرک‌نشـینان و مقامات افراطی صهیونیست بوده است.

حملات در کرانه باختری که همزمان با افزایش تنش‌های سیاسـی در درون سـرزمین‌های اشغالی صورت می‌گیرد، ابعاد تازه‌ای از سرکوب سیستماتیک علیه فلسـطینیان را آشکار می‌سازد. از یورش به خانه‌های مسکونی و به آتش کشیدن زمین‌های کشـاورزی تا هتک حرمت اماکن مذهبی و حمله مستقیم به زندانیان زن فلسطینی، همگی نشان از تشدید سیاست‌های مبتنی بر آوارگی و تحقیر دارد.

براسـاس گزارش الجزیره، تشدید تنش‌ها در کرانه باختری بی‌ارتباط با فضای سیاسی درون سرزمین‌های اشغالی نیست. روزنامه هاآرتص در این‌باره به نقل از منابع نظامـی این رژیم گزارش داد: بنیامین نتانیاهو به طور تعمدی تنش‌ها را در کرانه باختری اشغالی تشدید می‌کند تا توجهات را از تبعات سنگین و ادامه‌دار شکست‌های ۷ اکتبر منحرف سازد. براساس این گزارش، یائیر زمیر، رئیس ستاد ارتش، نسبت به نیات دولت در قبال کرانه باختری تردید دارد و خواهان آن شده است که ارتش درگیر پیچیدگی‌های امنیتی جدید ناشی از ملاحظات سیاسی نشود. در همین حال، چهره‌های فوق‌افراطی صهیونیست مانند بتسالل اسموتریچ، وزیر دارایی صهیونیست، تمایل خود را برای تشدید درگیری در کرانه باختری پنهان نمی‌کنند. هدف نهایی آنها، توجیه یک اقدام نظامی پیش‌دسـتانه برای سـرنگونی تشکیلات خودگردان فلسـطین، به‌دنبال آن اشغال کامل زمین‌ها و آوارگی گسترده جمعیت فلسطینی است. این رویکرد با افزایش محبوبیت شهرک‌نشینان افراطی در نظرسنجی‌ها همسو شده و تل‌آویو را به سمت سیاست‌های تهاجمی‌تر سوق داده است.

حمله به زندان زنان!

در تازه‌تریـن اقـدام جنون‌آمیز، ایتمـار بن‌گویر، وزیر امنیـت داخلی رژیم صهیونیستی، با ورود به بند زنان فلسطینی در زندان «دیمون» در شمال سرزمین‌های اشـغالی، فیلمی از بازجویی و تحقیر آنها را در شبکه اجتماعی ایکس منتشر کرد. در این فیلم که به‌عنوان سـندی از جنایت آشـکار علیه کرامت انسانی ثبت شده، یکی از زندانیان زن از شرایط أسفبار خود در این زندان می‌گوید. بن‌گویر در پاسخ با لحنی افتخارآفرین می‌گوید «روزهای خوبی که در زندان‌های ما وجود داشت به پایان رسیده است. این وضعیت کنونی است و من مستقیماً مسئول همه‌چیز هستم و از شرایط اسرای فلسطینی خوشحال هستم.» کانون زندانیان فلسطینی این اقدام را هتک حرمت آشـکار کرامت انسـانی خوانده و اعلام کرد بن‌گویر با انتشار مکرر فیلم‌های سـرکوب زندانیان، نقش خود را در تحریک علیه آنها به نمایش گذاشته اسـت. از زمان ورود بن‌گویر به کابینه نتانیاهو در اواخر سال ۲۰۲۲، سیاست‌های شدیدتری علیه زندانیان فلسطینی اتخاذ شده است که شامل کاهش سهمیه غذا و آب، محدودیـت ملاقات‌های خانوادگی، و حذف ابتدایی‌ترین نیازهای اولیه آنها می‌شود. براساس گزارش کمیسیون امور زندانیان و زندانیان سابق فلسطین، در حال حاضر حدود ۹ هزار و ۴۰۰ فلسـطینی در زندان‌های رژیم صهیونیستی نگهداری می‌شوند که ۸۸ نفر آنها زن و بیش از ۳۵۰ نفر کودک هستند.

یورش شهرک‌نشینان با حمایت ارتش

خشونت شهرک‌نشینان علیه فلسطینیان در کرانه باختری نیز در هفته‌های اخیر به اوج خود رسیده است. طبق گزارش سازمان ملل، تعداد حملات شهرک‌نشینان در سـال ۲۰۲۶ به‌شدت افزایش یافته و به حدود شش حمله در روز رسیده است. همچنین، ده‌ها شهرک‌نشین صهیونیست به روستای قصره در شمال کرانه باختری یورش بردند. مهاجمان اقدام به اشغال یک خانه فلسطینی و آزار ساکنان آن کردند. در این حمله، یک زن فلسطینی مجروح و به بیمارستان منتقل شد. شهرک‌نشینان همچنین به آتش‌زدن زمین‌های کشاورزی در حومه روستا پرداختند.

نظامیان صهیونیسـتی در اقدامی تکان‌دهنده، پس از اعزام به محل، به‌جای دسـتگیری شهرک‌نشینان و حفاظت از غیرنظامیان، شش فلسطینی را دستگیر و مورد بازجویی قرار دادند. این در حالی است که براساس قوانین بین‌المللی، نیروهای اشغالگر موظف به حمایت از غیرنظامیان تحت اشغال هستند. قصره در هفته‌های اخیر به کانون تنش تبدیل شده و شهرک‌نشینان چندین خانه را به محاصره خود درآورده‌اند. همچنین در روستای سلواد، در شمال‌شرقی رام‌الله، دو خواهر سالخورده در حالی که مشغول چیدن انجیر در زمین خود بودند، مورد حمله شهرک‌نشینان مسلح قرار گرفته و به‌شدت مجروح شدند

یورش همزمان شهرک‌نشینان و مقامات صهیونیست به خانه‌ها و زندان زنان فلسطینی در کرانه باختری، نشان‌دهنده تشدید یک سیاست سیستماتیک مبتنی بر خشونت، تحقیر و آوارگی است. از یک‌سو، مقامات افراطی با حضور در زندان‌ها و تحقیـر زندانیان زن، کرامت انسـانی آنها را هدف قرار داده‌اند. از سـوی دیگر، شهرک‌نشـینان با حمایت کامل ارتش، به خانه‌ها، زمین‌های کشـاورزی و اماکن مذهبی فلسطینیان یورش می‌برند و با ایجاد محاصره‌های طولانی، زندگی روزمره آنها را غیرممکن می‌سازند.

سقوط باروری در بهشت رفاه!

چرا نروژ با وجود بهترین حمایت‌های اقتصادی همچنان جمعیت خود را از دست می‌دهد؟

سرویس خارجی-

تحقیقـات میدانی و آماری، پـرده از یک حقیقت مهم برمی‌دارد: حل بحـران جمعیت، به چیزی فراتر از حمایت‌های اقتصادی و افزایش یارانه‌ها نیازمند اسـت و آنچه امروز در ایران و بسـیاری از کشورهای جهان به عنوان زنگ خطر جدی «پیری جمعیت» به صدا درآمده، صرفاً دلایل اقتصادی ندارد بلکه ریشه در دگرگونی‌های عمیق فرهنگی، روانی و ساختاری دارد که با پاشیدن پول و دادن مرخصی، التیام نمی‌یابد.

به تازگی دبیر ستاد ملی جمعیت کشورمان اعلام کرده میزان نرخ زاد و ولد در سال ۱۴۰۴ نسبت به سال ۱۴۰۳ شاهد کاهش ۸,۹ درصدی بوده است. کاهش زادو ولد و بحران جمعیت زنگ خطری جدی است که اکنون در بیشتر کشورهای جهان به صدا درآمده است. براساس برآوردهای انجام‌شده برای نخستین‌بار در طول تاریخ، امسال نرخ جهانی زاد و ولد به زیر سطح لازم برای جایگزینی جمعیت می‌رسد. نرخ باروری در ایران نیز طی سال ۲۰۲۵، ۱,۳۵ بوده اسـت که به معنای پیرشدن جمعیت است. در نتیجه انجام اقدامات پیشگیرانه در این زمینه «ضروری» است.

بسـیاری گمان می‌کنند مشکلات اقتصادی از جمله تورم، بیکاری، و گرانی مسکن تنها دلایل کاهش اشتیاق به فرزندآوری اسـت. بی‌شـک این عوامل مؤثرند، اما تقلیل بحران جمعیت بـه یک عامل، خطایی راهبردی اسـت. تجربه دو دهه اخیر در سیاست‌گذاری جمعیتی بسیاری از کشورها نشان می‌دهد فرضیه «افزایش حمایت مالی برابر با افزایش جمعیت» در عمل با شکست مواجه شده است. در حقیقت گفتمان غالب در سیاست‌گذاری جمعیتی بسیاری از کشورها بر این فرض استوار است که مشکلات معیشـتی و کمبود حمایت‌های دولتی ریشه‌های اصلی کاهش زادآوری هستند. از این‌رو، راه‌حل طبیعی شامل اقدامات حمایتی از جمله گسترش مرخصی‌های والدین، یارانه‌های کودک و تسهیل دسترسی به مسکن به نظر می‌رسد. اما تجربه نروژ، به عنوان یکی از پیشروترین کشورهای جهان در حمایت از خانواده، این فرضیه را به چالش می‌کشد.

نروژ؛ آزمایشگاهی گران‌قیمت برای یک نظریه شکست‌خورده

نروژ به طور گسترده به عنوان یکی از بهترین مکان‌های جهان برای فرزندآوری شناخته می‌شود. سیستم حمایت از خانواده در این کشور چنان جامع است که بسیاری از کشورها آن را الگوی خود قرار داده‌اند. از جمله این سیاست‌ها عبارتند از:

مرخصی والدین: والدین نروژی از ۱۲ ماه مرخصی کامل با حقوق برای تولد هر فرزند برخوردار هستند، به علاوه یک سال مرخصی اضافی پس از آن برای هر یک از والدین در نظر گرفته می‌شـود. سهمیه ۱۵ هفته‌ای مرخصی اختصاصی برای پدران، نروژ را به یکی از پیشروترین کشورها در زمینه تقسیم مسئولیت والدین تبدیل کرده است.

مهدکودک همگانی و ارزان: از سال ۲۰۰۸، مهدکودک به حق قانونی تمام کودکان بالای یک سال در نروژ تبدیل شد و دولت با یارانه‌های گسترده، امکان ترکیب کار و زندگی خانوادگی را برای زنان و مردان فراهم کرد. اکنون بیش از ۹۷ درصد کودکان ۳ تا ۵ سال در نروژ به مهدکودک می‌روند.

کمک‌های نقدی مسـتمر: کمک‌های دولتی تا ۱۸ سالگی کودک به خانواده پرداخت می‌شود. مشوق‌های ویژه‌ای نیز برای والدین زیر ۳۰ سـال در نظر گرفته شده است، از جمله کمک هزینه ۲۵ هزار کرونی برای معیشت بهتر خانواده.

بـا این حال، با وجود تمام این امکانات، نرخ باروری نروژ با کاهشـی ۳۰ درصدی، از ۱.۹۸ فرزند به ازای هر زن در سـال ۲۰۰۹ به ۱.۴۴ در سـال ۲۰۲۴ سقوط کرد. در سال ۲۰۲۳ نیز نرخ ۱.۴۰ در این کشور ثبت شد که پایین‌ترین سطح در تاریخ نروژ به‌شـمار می‌رود. به عبارت دیگر، نروژ در حالی که بیش از هر کشور دیگری برای تشویق فرزندآوری هزینه می‌کند، یکی از شدیدترین کاهش‌های زادآوری در میان کشورهای توسعه‌یافته را تجربه کرده است.

اسکاندیناوی، شکست‌خورده در سیاست‌های حمایتی

واقعیت این اسـت که تمام کشورهای حوزه اسکاندیناوی علی‌رغم داشتن پیشرفته‌ترین سیستم‌های حمایت از خانواده در جهان با کاهش شـدید زادآوری مواجه هستند. برای مثال، نرخ باروری در فنلاند در سـال ۲۰۲۴ نسبت به سال ۲۰۱۰ شاهد کاهش ۳۳ درصدی بوده اسـت. سوئد نیز در همین بازه زمانی کاهش ۲۸ درصدی نرخ باروری را تجربه کرده اسـت. دانمارک نیز با نرخ زادآوری ۱,۴۶ در سـال ۲۰۲۴، نسبت به سال ۲۰۱۰ کاهش ۲۲ درصدی را شاهد بوده است.

این ارقام نشان می‌دهند مدل کشورهای حوزه اسکاندیناوی با تمام شهرت‌شان به عنوان الگوی موفق سیاست‌های حمایتی از خانواده، در افزایش نرخ زادو ولد ناتوان بوده‌اند. آمارها نشـان می‌دهد نرخ‌های باروری در تمام کشورهای حوزه اسکاندیناوی از اواسط دهه ۱۹۶۰ به طور پیوسته کاهش یافته و در سال‌های ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ به پایین‌ترین سطح تاریخی خود رسیده است. نکته تأمل‌برانگیزتر ماجرا، کاهش نرخ زاد و ولد در میان جوانان ۲۰ تا ۳۰ سـاله است. گزارش کمیته بررسی نرخ زاد و ولد نروژ تصریح می‌کند دلیـل اصلی کاهش نرخ باروری در نروژ در ۱۵ سال گذشته این است که جوانان در دهه ۲۰ زندگی خود تعداد کمتری فرزند دارند. میانگین سن مادران برای اولین زایمان از ۲۸ به ۳۰ سال و برای پدران از ۳۱ به ۳۲ سال افزایش یافته است.

چرا پول و مرخصی کافی نیست؟

در حقیقـت با آنکه نروژ جزو کشـورهای ثروتمند جهان به‌شـمار می‌رود، اما حمایت‌های مالی دولتی نیز نتوانسته است مانع از سقوط آزاد نرخ زاد و ولد شود که نشان می‌دهد این مسئله ریشه‌های عمیق‌تری دارد. «ادراک ذهنی افراد از شرایط اجتماعی» یکی از موانع اصلی افزایش نرخ زادآوری عنوان می‌شود. مطالعه صورت‌گرفته در نشـریه جینس در سال ۲۰۲۵ نشان می‌دهد علی‌رغـم قدرت اقتصادی نروژ، نااطمینانـی از آینده به عنوان یک عامل کلیدی در کاهش مسـتمر زادآوری مطرح است. این نااطمینانی صرفاً به درآمد فعلی مربوط نمی‌شود، بلکه به ادراک ذهنی افراد از آینده شامل مواردی همچون امنیت شغلی، تورم و هزینه‌های زندگی گره خورده است. برخی دلایل روانی نیز در این امر دخیل هستند.

مسئله دیگر، افزایش سرسام‌آور قیمت مسکن در شهرهای بزرگ نروژ است که به یکی از موانع اصلی فرزندآوری تبدیل شده است. شاخص خرید مسکن برای خانواده‌های دارای فرزند در نروژ از ۳۹ درصد در سال ۲۰۱۵ به ۱۹ درصد در سال ۲۰۲۴ سقوط کرده که نشان‌دهنده کاهش خانه‌دار شدن زوجین دارای فرزند است. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در سال ۲۰۲۴ طی گزارشی دلایل بیشتری از عدم تمایل به فرزندآوری منتشر ساخت. در این گزارش تأکید شده: انتخاب‌های شخصی برای داشتن فرزند به طیف گسترده‌ای از عوامل بستگی دارد، از جمله امنیت اقتصادی و مالی، هزینه‌های تربیت کودک، و هنجارهای اجتماعی. همچنین افزایش مشارکت زنان در بازار کار، هزینه‌های فرزندآوری را افزایش داده است. نروژ نشان می‌دهد که ریشه‌های بحران زادآوری بسیار فراتر از مسائل اقتصادی صرف بوده و به تغییرات عمیق فرهنگی، روان‌شناختی و ساختاری گره خورده است.

برای مثال، سـبک زندگـی و ارزش‌های اجتماعی در نروژ شاهد تغییر گسترده بوده‌است. تحقیقات مؤسسه جمعیت‌شناسی ماکس پلانک نشان می‌دهد امروز در نروژ، بسیاری از جوانان دیگر بچه‌دار شدن را مهم‌ترین هدف زندگی نمی‌دانند. آنها بیشتر به پیشرفت شغلی، سفر، تفریحات و زندگی شخصی خود اهمیت می‌دهند. علاوه بر این، از جنبه روان‌شـناختی، والدگری فشرده (Intensive Parenting) یکـی از جدی‌ترین مشـکلات غیرمادی اسـت که خانواده‌ها اکنون درگیر آن هستند. والدگری فشرده یعنی سـبکی از فرزندپروری که در آن والدین به جای پیروی از روش‌های سـنتی، زمان، احساسات و منابع بیشتری را صرف می‌کنند و خود را مسـئول تمام امور فرزند می‌دانند. بالا رفتن توقعـات از نقش پدر و مادری، خود بـه یک مانع بزرگ روانی برای بچه‌دار شـدن تبدیل شده است. از دلایل دیگر کاهش زاد و ولد می‌توان به تشکیل دیرهنگام نهاد خانواده، ترس از زایمان، باورهای اشتباه اجتماعی، تغییر اولویت‌های زندگی، فردگرایی و خودمحوری، تغییر هنجارهای اجتماعی، و گریز از مسئولیت‌پذیری اشـاره کرد؛ مسائلی که فراتر از مشکلات مادی، ریشه در ادراک اشتباه فرد از زندگی اجتماعی دارد.

چاره چیست؟

الگـوی کشـورهای حوزه اسـکاندیناوی با وجـود تمام دستاوردهایش در زمینه رفاه خانواده نتوانسته است از سقوط آزاد نرخ باروری جلوگیری کند. ریشه‌های اصلی بحران در تغییرات عمیق‌تری نهفته که شامل: تغییر در اولویت‌های زندگی، افزایش انتظارات از نقش والدین، نااطمینانی فکری درباره آینده، و مسائل هنجاری و اجتماعی است. همان‌طور که در مورد نروژ مشاهده شده، مسائل ذهنی، ادراکی و هنجاری در جامعه از جمله دلایل کاهش زادآوری اسـت. نروژ و دیگر کشورهای اسکاندیناوی به روشنی به ما می‌آموزند که حمایت‌های دولتی و رفاه اقتصادی، هرچند لازم، اما به‌هیچ‌وجه کافی نیستند و این درس تلخی برای ایران است که هنوز در ابتدای مسیر سیاست‌گذاری جمعیتی قرار دارد، و فرصتی طلایی برای پرهیز از آزمون و خطاهای پرهزینه است. اگر نرخ باروری در ثروتمندترین و حمایتگرترین کشورهای جهان سـقوط می‌کند، پس بایـد پذیرفت که بحران جمعیت، ریشـه‌ای عمیق‌تر در تغییر باورها، اولویت‌های زندگی، ترس از آینده و تعریف جدید از هویت والدینی دارد.

گزارش خبری کیهان

مؤسسه هارتلند زنگ‌های خطر را به صدا درآورد آمریکا در آستانه بحران غذا!

سرویس خارجی-

نشریه وال‌استریت‌ژورنال به نقل از معاون مؤسسه هارتلند گزارش داد آمریکا به‌دلیل کمبود کود در آستانه بحران غذایی است.

هشدار درباره امنیت غذایی آمریکا دیگر صرفاً به افزایش قیمـت چند قلـم کالای مصرفی محدود نیسـت و اکنون نشانه‌هایی از یک آسیب‌پذیری عمیق‌تر در ساختار کشاورزی این کشـور هویدا شده اسـت. روزنامه وال‌استریت‌ژورنال در گزارشـی هشدار داده اسـت که آمریکا ممکن است به‌دلیل کمبـود و افزایش هزینه کـود، در معرض بحران غذایی قرار گرفته باشـد. جف استیر، مشاور مؤسسه هارتلند، با اشاره به وابستگی زنجیره کشاورزی به نهاده‌های وارداتی، مدعی شده است که بخش مهمی از عرضه جهانی کود شیمیایی در اختیار کشورهایی قرار گرفته که واشنگتن آنها را رقیب یا دشمن خود می‌داند. از نگاه او، چین، روسـیه و ایران در بازار جهانی کود نقـش تعیین‌کننده‌ای دارند و هرگونه اختلال در این زنجیره می‌تواند هزینه تولید محصولات کشاورزی و در نهایت قیمت موادغذایی را بالا ببرد.

جنگی که به مزرعه‌های آمریکا رسید

نکته مهم‌تر اینجاست که هزینه سیاست خارجی تهاجمی واشنگتن علیه ایران ظاهراً در حال بازگشت به داخل مرزهای آمریکاسـت؛ البته درست‌تر آن است که بگوییم این بازگشت از همان آغاز تجاوزات آغاز شده و حالا تشدید شده است. در گزارش‌های منتشرشده از سوی ایندیپندنت و فایننشال‌تایمز، افزایش هزینه‌های سـوخت و کود پس از جنگ آمریکا علیه ایران، به‌عنوان یکی از عوامل تشدیدکننده فشار بر کشاورزان آمریکایی مطرح شده است. فایننشال‌تایمز از وضعیت دشوار کشاورزان «کمربند ذرت» در غرب میانه آمریکا گزارش داده و نوشته است که برخی تولیدکنندگان غلات این شرایط را با یکی از بدترین بحران‌های چند دهه اخیر مقایسه می‌کنند.

اعتراف تلخ برای آمریکایی‌ها درباره انرژی و غذا

حتی استدلال مطرح‌شده از سوی مشاور مؤسسه هارتلند، ناخواسـته تصویری از همین وابستگی ارائه می‌دهد. او تأکید کرده اسـت که گاز طبیعی ماده اولیـه مهم تولید کودهای نیتروژنی است و پالایش نفت و گاز نیز گوگرد موردنیاز برای تولید برخی کودهای فسفاته را فراهم می‌کند. بنابراین امنیت انرژی و امنیت غذایی عملاً از یکدیگر جدا نیستند. این گزاره یک پیام سیاسـی مهم برای واشنگتن دارد: کشوری که در سیاسـت خارجی خود دائماً از تحریـم، محاصره اقتصادی، فشار بر مسیرهای انرژی و عملیات نظامی به‌عنوان ابزار قدرت استفاده می‌کند، نمی‌تواند از تبعات این سیاست‌ها مصون بماند.

افکار عمومی علیه جنگ

این فشـار اقتصادی ظاهراً فقط در بازارها دیده نمی‌شود و به عرصه سیاسـت داخلی آمریکا نیز سـرایت کرده است. براساس نظرسـنجی رویترز و ایپسـوس، محبوبیت دونالد ترامپ به ۳۳ درصد رسیده و ۶۴ درصد آمریکایی‌ها عملکرد او را تأیید نکرده‌اند. بلومبرگ نیز با استناد به نظرسنجی‌های اخیر گزارش داده است که نارضایتی از نحوه مدیریت جنگ علیه ایران افزایش یافته است؛ در یک نظرسنجی، ۶۳ درصد از پاسـخ‌دهندگان از مدیریت جنگ توسـط ترامپ ناراضی بوده‌اند و تنها ۲۵ درصد رضایت داشـته‌اند. اهمیت این ارقام زمانی بیشـتر می‌شـود که بدانیم نارضایتی فقط محدود به مخالفان سـنتی جمهوری‌خواهان نیست. براساس داده‌هایی که بلومبرگ از یک نظرسـنجی دیگر نقل کرده، ۷۱ درصد رأی‌دهندگان معتقد بوده‌انـد جنگ تأثیر منفی بر وضعیت داخلی آمریکا گذاشته است.

نکته جالب دیگر آن اسـت که در حالی که گزارش‌ها از سقوط محبوبیت دونالد ترامپ پس از جنگ آمریکا علیه ایران حکایت دارد، رئیس‌جمهور سودایی آمریکا به‌جای پاسخ‌گویی درباره تبعـات جنگ و افزایش هزینه‌های زندگی، توپ را به زمین رسـانه‌ها انداخته و خواستار تغییر مدیریت و مجریان شـبکه‌هایی مانند سـی‌ان‌ان شده اسـت؛ ترامپ در شبکه اجتماعی خود مدعی شـده سی‌ان‌ان در «مارپیچ مرگ» قرار دارد، ادعایی که در سایه نتایج نظرسنجی رویترز و ایپسوس رنگ طعنه‌آمیزی پیدا می‌کند.

جنگ ایران؛ پاشنه آشیل جمهوری‌خواهان

این تغییر افکار عمومی می‌تواند برای دولت آمریکا هزینه سیاسی سنگینی داشته باشـد. بلومبرگ گزارش داده است که حمایـت جمهوری‌خواهان از جنگ نیز کاهش یافته و از ۷۷ درصد در ماه مارس به ۶۹ درصد رسـیده است. در میان رأی‌دهندگان دموکرات، مخالفت بسیار شدیدتر است و طبق نظرسـنجی مورد اشاره، ۹۶ درصد از نحوه مدیریت درگیری توسـط ترامپ ابراز نارضایتی کرده‌اند. جسیکا رایس، رئیس بخش پژوهش و استراتژی مؤسسه تاورن، معتقد است آن‌چه جنگ ایران را به مسـئله‌ای مهم بـرای نامزدهای دموکرات تبدیل می‌کند، خشم رأی‌دهندگان مستقل و حتی بخشی از جمهوری‌خواهان نسبت به هزینه‌های اقتصادی جنگ است. اینجاسـت که ماجرا از یک مناقشـه خارجی به یک بحران داخلی تبدیل می‌شود: وقتی قیمت بنزین بالا می‌رود، هزینه کود افزایش می‌یابد و کشـاورز با حاشـیه سود کمتر مواجه می‌شـود، دیگر توضیح درباره «ضرورت ژئوپلیتیکی» جنگ برای بسیاری از شهروندان کافی نیست.

سود نفتی‌ها، هزینه مردم

در ایـن میان، اتهام دیگری نیز فضای سیاسـی آمریکا را ملتهـب کرده اسـت: این‌که بخشـی از صنایع نفت و گاز از افزایـش قیمت انرژی در نتیجه جنگ سـود برده‌اند، در حالی که مصرف‌کنندگان آمریکایی هزینه آن را پرداخته‌اند. الیزابت وارن، سناتور دموکرات، ترامپ را به فساد متهم کرده و گفته است شرکت‌های نفتی همسو با او از جنگ علیه ایران سودهای کلان برده‌اند. شبکه سی‌بی‌اس نیز گزارش داده است که براساس اسناد مالی مربوط به ترامپ، او به خرید و فروش سهام شرکت‌های نفت و گاز طبیعی ادامه داده است؛ هرچند کاخ‌سفید گفته ترامپ در این معاملات نقشی ندارد. این مسئله یـک تناقض جدی ایجاد می‌کنـد: اگر جنگ با هدف تأمین امنیت آمریکا توجیه می‌شود، چرا منافع اقتصادی آن نصیب شـرکت‌های بزرگ انرژی شود، در حالی که راننده آمریکایی برای پُر کردن باک خودرویش هزینه بیشتری بپردازد و کشاورز آمریکایی نیز با افزایش قیمت سوخت و کود مواجه شود؟ وارن صراحتاً گفته است اگر هدف کاهش قیمت بنزین است، راه‌حل پایان دادن به جنگ است.

فراخوان شیخ نعیم قاسم برای وحدت حول محور ولی‌فقیه زمان، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای

سرویس خارجی-

دبیـرکل جنبش حزب‌الله لبنان تأکیـد کرد: «اگر ما می‌خواهیم وحدت ریشه‌دار و ثابت داشته باشیم بایستی حول محور ولی‌فقیه حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای(دام‌ظله) به عنوان ستون وحدت جمع شده و متحد شویم.»

شیخ نعیم قاسم، دبیرکل جنبش حزب‌الله لبنان، در سخنانی به مناسبت «هفته وحدت»، گفت: «امام شهید حضرت سیدعلی خامنه‌ای امت اسلامی را از وحدت نظری به سمت وحدت عملی رهبری کردند و اگر ما می‌خواهیم وحدت ریشه‌دار و ثابت داشته باشیم بایستی حول محور ولی‌فقیه حضرت آیت‌الله سید مجتبی خامنه‌ای(دام‌ظله) به عنوان سـتون وحدت جمع شـده و متحد شـویم.» او در بخشی دیگر از سخنان خود گفت: «آمریکا و رژیم صهیونیستی در سه جنگ خود علیه جمهوری اسلامی ایران، به‌دلیل وحدت و ایستادگی ملت آن شکست خوردند، این ملت بزرگی که توانسـت حماسه بزرگی را خلق کند؛ تا زمانی که ایستاده‌ایم و از حقوق و سرزمین و آزادی خود دفاع می‌کنیم، آنها هرگز نخواهند توانست طرح‌های خود را محقق کنند و هرگز موفق نخواهند شد.»

اختلافات داخلی نباید منجر به درگیری شود

به گزارش روز یکشنبه ایرنا به نقل از شبکه المیادین، دبیرکل جنبش حزب‌الله لبنان گفت: «اسرائیل به‌دلیل پایداری ملت ایران، در سه جنگ خود شکست خورد. ما همچنان پایدار هستیم و آنها هرگز نخواهند توانست طرح‌ها و برنامه‌های خود را محقق کنند. هرگونه پایداری و ایستادگی صرف‌نظر از هزینه‌های آن، پایه و اساسی برای احیای جایگاه ماست و توانایی ما را برای تحقق اهداف‌مان و شکست پروژه دشمن را تقویت می‌کند. اختلافات بین مسلمانان نباید باعث گشـودن جبهه داخلی و فراموش کردن دشمن اصلی ما شود.»

هرگونه عقب‌نشینی منجر به نابودی ما می‌شود

نعیم قاسم گفت: «حتی اگر در این مسیر جانفشانی‌های زیادی انجام دهیم و خون‌های زیادی ریخته شود چرا که این جانفشانی‌ها و خون‌های زیاد همراه با وحدت راه طبیعی شکست پروژه دشمنان است و هرگونه عقب‌نشینی در مقابل دشمن، منجر به نابودی ما خواهد شد چرا که دشمن بی‌رحمانه عمل می‌کند و می‌خواهد آقای جهان باشد. ایستادگی با وجود همه هزینه‌های آن، پیشروی دشمن را متوقف کرده و زمینه را برای احیای موقعیت و جایگاه ما فراهم می‌کند، آمریکا و اسرائیل هر کاری بکنند و هرچه تحریم‌ها شدید باشد و هرچه تجاوزات نظامی شدید باشد، باز هم پایداری، طرح دشـمن را خنثی می‌کند. وحدت در لبنان بین حزب‌الله، جنبش أمل و همه گروه‌های سیاسی مخالف اسرائیل و خواهان آزادسازی اراضی، شکل گرفته است.»

فضل‌الله: رهبر شهید «وحدت» را به برنامه‌ای عملی بدل کرد

خبر دیگر آن‌که سـیدعلی فضل‌الله، عالم برجسته لبنانی و خطیب پیشین جمعه بیروت، تأکید کرد که رهبر شهید انقلاب، تنها یک نظریه‌پرداز اسلامی نبودند، بلکه مرد عمل و اندیشه بودند و دیدگاه ایشان در زمینه وحدت اسلامی از چارچوب نظریه‌ها فراتر رفته و به برنامه‌ای عملی برای امت اسـلامی تبدیل شد. فضل‌الله در حاشـیه چهلمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی که با نظارت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در ایران و تحت شعار «وحدت اسلامی در اندیشه امام شهید، آیت‌الله العظمی سیدعلی حسینی خامنه‌ای» برگزار شد، در گفت‌وگوی اختصاصی با خبرنگار ایرنا، نقش استثنایی امام شهید(رض) را در تحکیم مفهوم وحدت اسلامی ستود و خاطرنشان کرد که فتاوا و مواضع معظم‌له در قبال تاریخ مسلمانان و روابط میان آنها، به‌ویژه میان اهل سنت و شیعه، مرجعیتی فکری و نادر به‌شمار می‌رود.

شیخ الرفاعی: بیعت با رهبر انقلاب اسلامی ضروری است

همچنین روحانی اهل سنت لبنانی بر ضرورت اعلام بیعت با رهبر انقلاب اسلامی ایران تأکید کرد. این روحانی شناخته‌شده، شیخ مؤمن مروان الرفاعی، که مشاور در امور روابط دیپلماتیک لبنان است، خواستار اعلام بیعت با آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران شد. به گزارش العهد، وی تأکید کرد: «اتحاد، انسجام، یکپارچگی و همبستگی با رهبری واحد اسلامی و اعلام بیعت کامل با ولی‌فقیه سـیدمجتبی خامنه‌ای به عنوان جانشین رهبر شهید ولی‌امر مسلمین و امتداد راه امام خمینی(ره) که هفته وحدت را برای جلب رضایت خداوند و رسـولش تعیین کرد، ضروری است.»

ادامه تجاوزات رژیم آپارتاید اسرائیل

خبـر دیگر از لبنان آن‌که چندین شـهر و منطقه مرزی در جنوب این کشور، روز یکشنبه، شاهد حملات رژیم صهیونیستی بوده اسـت. خبرگزاری ملی لبنان گزارش داد که ارتش اسرائیل صبح دیروز انفجار عظیمی را در منطقه مرجعیون در جنوب لبنان انجام داده است. همچنین چندین شهر و منطقه مرزی در جنوب لبنان شاهد یک‌سری بمباران توپخانه‌ای و هوایی رژیم بوده است. توپخانه اسـرائیل شـهرهای میفدون، تولین، المنصوری و وادی السـلوقی را گلوله‌باران کرد و همچنین منطقه بین بیت‌یاحون و برعشیت را هدف قرار داد. نیروهای اسرائیلی همچنین به بمباران توپخانه‌ای مداوم خود در تپه علی‌الطاهر و الدبشه ادامه می‌دهند. نیروهای اسرائیلی بمب‌های فسفری را به سمت ارتفاعات علی‌الطاهر پرتاب کردند.

ریاست‌جمهوری اوکراین مدعی شد

آغاز شمارش معکوس برای حمله زمینی روسیه به کی‌یف!

سرویس خارجی-

ادعای کی‌یف درباره احتمال حمله زمینی روسیه به پایتخت اوکراین، در حالی مطرح شده که تشدید درگیری‌ها و تداوم حمایت نظامی غرب، جنگی چندساله را وارد مرحله‌ای تازه و پرخطر کرده است.

مقام ارشد دفتر ریاست‌جمهوری اوکراین مدعی شده است که روسیه در حال بررسی امکان آغاز یک حمله زمینی جدید به سمت کی‌یف، پایتخت اوکراین، و شهر چرنیهیف در شمال این کشور است، ادعایی که تاکنون با ارائه نشانه‌ای مشخص از تجمع یگان‌های تهاجمی روسیه در نزدیکی مرزهای شمالی همراه نشده است. پاولو پالیسا، معاون رئیس‌دفتر ریاست‌جمهوری اوکراین، گفته است ارزیابی‌های نظامی در مسکو در حال انجام است و کی‌یف تلاش می‌کند مانع هرگونه اقدام تهاجمی شود. او همچنین مدعی شده روسیه همچنان به‌دنبال ایجاد مناطقی حائل در امتداد مرزهای شمالی و شمال‌شرقی اوکراین و تکمیل اهداف خود در دونباس است. با این حال، فاصله میان «بررسی یک سناریوی نظامی» و «آغاز قطعی حمله» قابل‌توجه است و همین موضوع اهمیت احتیاط در انتشار چنین هشدارهایی را دوچندان می‌کند.

جبهه‌ای که دوباره شعله‌ور شد

هم‌زمان با این هشدار، حملات متقابل روسیه و اوکراین نیز شدت گرفته است. رسانه‌های اوکراینی مدعی شده‌اند که ارتش این کشور یک پالایشگاه نفت در استان لنینگراد و یک پایگاه هوایی در کراسنودار را هدف قرار داده است؛ ادعایی که مقام‌های روسیه درباره بخشی از آن، یعنی سقوط پهپاد در نزدیکی پالایشگاه کیریشی و وقوع آتش‌سوزی، اظهارنظر کرده‌اند. از سوی دیگر، رویترز به نقل از مقام‌های اوکراینی از حمله روسیه به منطقه کی‌یف و کشته‌شدن دست‌کم ۳۷ نفر در پی انفجار یک انبار مهمات خبر داده اسـت. فارغ از روایت‌های متفاوت دوطرف درباره مسئولیت و ابعاد حملات، واقعیت نگران‌کننده این است که جنگ نه‌تنها متوقف نشده، بلکه دامنه اهداف آن به زیرسـاخت‌های انرژی، نظامی و اقتصادی کشـیده شده است. اوکراین در ماه‌های اخیر تمرکز بیشتری بر اهداف اقتصادی داخل روسیه گذاشته و روسیه نیز حملات هوایی خود علیه کی‌یف و مناطق دیگر را تشدید کرده است.

بازی خطرناک غرب با آتش

گفتنی است، در این میان، نمی‌توان نقش سیاست‌های غرب را در طولانی شدن و نظامی‌تر شدن این بحران نادیده گرفت. جنگ اوکراین از ابتدا تنها یک درگیری دوجانبه در میدان نبرد باقی نماند و به عرصه‌ای برای رقابت گسـترده‌تر روسیه و غرب تبدیل شـد، رقابتی که در آن ارسال تسلیحات، کمک‌های نظامی، آموزش و پشتیبانی اطلاعاتی به بخشی از معادله جنگ تبدیل شده است. نتیجه این رویکرد، برخلاف وعده‌های اولیه درباره تغییر موازنه قوا و نزدیک‌شدن به پایان جنگ، تاکنون صلح پایدار نبوده اسـت. اکنون با گذشت سال‌ها، صحبت از احتمال حمله زمینی جدید به کی‌یف و ایجاد مناطق حائل مطرح می‌شود و هم‌زمان حملات دوربرد به تأسیسات انرژی و اقتصادی ادامه دارد.

سایه هسته‌ای واشنگتن

هم‌زمان، یکی از نگران‌کننده‌ترین ابعاد این بحران، حرکت بحث‌های امنیتی به سمت سناریوهای هسته‌ای است. آندری بلوسوف، فرستاده ویژه وزارت امور خارجه روسیه، مدعی شده است که تحلیلگران نظامی آمریکا به‌طور جدی احتمال استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در صحنه عملیات اروپا را بررسی کرده‌اند. گزارش‌های منتشرشده درباره تدوین استراتژی هسـته‌ای جدید در پنتاگون نشان می‌دهد سطح نگرانی درباره سـناریوهای درگیری با روسیه و چین افزایش یافته است. براساس گزارش ان‌بی‌سی‌نیوز که در متن مورد اشاره قرار گرفته، طرح جدید بر گزینه‌های متنوع‌تر، از جمله سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی، در سناریوهای درگیری منطقه‌ای تمرکز دارد. این همان نقطه‌ای است که سیاست امنیتی آمریکا می‌تواند از «بازدارندگی» وارد منطقه‌ای بسیار خطرناک‌تر شود.

اوکراین؛ آزمایشگاه جنگ‌افزارهای جدید!

نشـانه دیگر از عمیق‌تر شـدن پیوند میان جنگ اوکراین و سـاختار نظامی غرب، همکاری‌های جدید در حوزه فناوری دفاعی اسـت. میخائیلو فدوروف، وزیر دفاع پیشـین اوکراین، پیشنهاد گویدو کروسـتو، وزیر دفاع ایتالیا، برای همکاری به‌عنوان مشـاور نوآوری‌های دفاعی را پذیرفته است. فدوروف قرار است در زمینه توسعه فناوری‌های نوین جنگی و ارتقای توان دفاعی ایتالیا مشاوره دهد و هم‌زمان فعالیت خود را برای راه‌اندازی صندوق سرمایه‌گذاری دفاعی در اوکراین ادامه دهد.

کودتای نافرجام ارتش در نیجر

تلاش برخی افسران ارتش برای کودتا در نیامی، پایتخت نیجر، با مداخله بخشی از بدنه ارتش ناکام ماند.

نیجر، کشوری در قلب منطقه ناآرام ساحل آفریقا، طی سال‌های اخیر به یکی از کانون‌های اصلی بی‌ثباتی سیاسـی و امنیتی غرب آفریقا تبدیل شده است. در میانه سـال ۲۰۲۳، ژنرال عبدالرحمان تیانی با کودتای نظامی، محمد بازوم، رئیس‌جمهور منتخب، را برکنار کرد و قدرت را به دسـت گرفت. این کودتا با وعده پایان دادن به خشونت‌های تروریستی و بهبود وضعیت امنیتی صورت پذیرفت، اما سه سال بعد، اوضاع نه‌تنها بهتر نشده، بلکه پیچیده‌تر شده است. گروه‌های وابسته به القاعده و داعش در مناطق مرزی، به‌ویژه در غرب کشور، حملات خود را تشدید کرده‌اند و تلفات سنگینی بـه نیروهای امنیتی وارد کرده‌اند. نیامی، پایتخت، نیز چندین‌بار هدف قرار گرفته و فرودگاه بین‌المللی آن در سال ۲۰۲۶ دوبار مورد حمله قرار گرفته است. همزمان، دولت نظامی با خروج از اکوواس، اخراج نیروهای فرانسوی و نزدیک‌شدن به روسیه، مسیر تازه‌ای در پیش گرفته، اما نارضایتی در داخل ارتش به‌دلیل شکست‌های میدانی، کمبود تجهیزات و شرایط سخت خدمت، رو به افزایش بوده است. این تنش‌های درونی، همراه با ادامه جنگ علیه تروریسم، زمینه را برای ناآرامی‌های تازه فراهم کرده است. نیجر در جمعه‌شب و بامداد شنبه شاهد درگیری شدید در اطراف کاخ ریاست‌جمهوری بود که در ابتدا برخی منابع از حملات تروریستی خبر دادند و برخی نیز آن را تلاشی برای کودتا دانستند. به گزارش مهر به نقل از تاس، در طول شب، گروهی از پرسنل نظامی نیجـر تلاش کردند تا هم‌زمان خـود را در پادگان‌های پایگاه ۱۰۱ محبوس کنند و به چندین مرکز مهم استراتژیک در نیامی آتش گشودند. به گفته سلیفو مودی، وزیر دفاع نیجر، نیروهای امنیتی این شورش را مهار کرده و کنترل این مراکز را به دست گرفتند. سربازان شورشی نیجر اوایل روز شنبه به فرودگاه و ساختمان ریاست‌جمهوری در نیامی، پایتخت نیجر حمله کردند و باعث ساعت‌ها تیراندازی و انفجار و قطع موقت پخش تلویزیون و رادیو دولتی شدند. خبرگزاری نیجرپرس چندی بعد گزارش داد که وضعیت در پایتخت در حال بازگشت به حالت عادی است. ترافیک در جاده منتهی به فرودگاه بین‌المللی نیامی از سر گرفته شده است، در حالی که مغازه‌ها، مراکز خرید و پمپ‌بنزین‌ها بازگشایی شده‌اند. این حمله جدیدترین تهدید برای حکومت عبدالرحمان تیانی بود که در کودتای ۲۰۲۳ قدرت را به دست گرفت.

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شـماره ۶۳۷۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی عبدالکریم دهقانی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۲۲۵۷ و شماره ملی ۵۴۷۹۶۵۶۵۹۷ صادره از خشت در قسمتی از شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۵۰ متر مربع پلاک ۲۰۱۹ فرعی از ۳۷۷۰ اصلی مفروزی و مجزا شده از ۳۷۷۰/۶۲ اصلی واقع در بخش دو بوشهر خریداری مالک رسمی گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. شناسه آگهی:۲۲۶۵۳۸۲

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۶/۲۴

شکراله سعادتی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شـماره ۶۳۸۵ مورخ ۱۴۰۵/۰۴/۲۲ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی عبدالکریم دهقانی فرزند محمد به شماره شناسنامه ۲۲۵۷ و شماره ملی ۵۴۷۹۶۵۶۵۹۷ صادره از خشت در قسمتی از شش دانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۰۰ متر مربع پلاک ۲۰۱۸ فرعی از ۳۷۷۰ اصلی مفروزی و مجزا شده از ۳۷۷۰/۶۲ اصلی واقع در بخش دو بوشهر خریداری مالک رسمی گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.شناسه آگهی: ۲۲۶۵۳۴۷

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۶/۲۴

شکراله سعادتی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۵۷۰۷ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۹ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی بوشهر تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی محمد زارعی فرزند محمد مهدی به شـماره شناسنامه ۳۵۱۰۲۲۶۳۷۲ و شماره ملی ۳۵۱۰۲۲۶۳۷۲ صادره از دشتستان در قسمتی از شش دانگ یک باب بابخانه به مساحت ۱۴۰ متر مربع پلاک۳۳۹ فرعی از۳۳۸۷ اصلی مفروزی و مجزا شده از اصلی واقع در بخش دو بوشهر خریداری مالک رسمی گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شـود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مرجع قضائی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.شناسه آگهی: ۲۲۶۵۶۱۸

تاریخ انتشار نوبت اول ۱۴۰۵/۰۶/۰۹ تاریخ انتشار نوبت دوم ۱۴۰۵/۰۶/۲۴

شکراله سعادتی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بوشهر

کیهان

روزنامه صبح

صاحب امتیاز: شرکت چاپ و انتشارات کیهان

(مؤسسه کیهان)

مدیر مسئول و سردبیر: حسین شریعتمداری

تلفن: ۳۵۲۰۰ و ۹-۳۳۱۱۰۲۵۱

کیهان و خوانندگان۳ تا ۶ عصر: ۳۳۱۱۰۰۶۵

ارتباط با ما در پیامرسان‌های ایتا و بله:

@kayhannewspaper

صفحات وب: www.kayhan.ir

کد پستی: ۱۱۴۴۸۳۱۵۹۹

صندوق پستی: ۱۱۱۵۵/۳۶۳۱

تهران - خیابان فردوسی کوچه شهید شاهچراغی